

DOI: 10.22111/JSSE.2018.4433

Original Research

Study of the Causes, Dimensions and Consequences of Social Exclusion based on Gender: Case Study of Gypsy Women in Cheshmeh Kaboud

Zeynab Khoshroo¹, Seyed Ahmad Firouzabadi² & Zahra Farzizadeh³

Received: January 17, 2019; Revised: April 20, 2020; Accepted: May 04, 2020

Abstract

The main of this study was to investigate the reasons, aspects, and consequences of gypsy's women's exclusion in the "Cheshmeh Kaboud" in Ilam County. This research is based on qualitative methods (ethnography). Data collected through participatory observation and interview. In addition, data analyzed using thematic analysis method. We are sampling from 12 native women (recourse of exclusion) and 18 gypsies women (Target of exclusion). The results have shown that native women's exclude gypsies women because of these reasons: stereotypical beliefs, lack following sanitary rules, the behavior of gypsies child in school, a common sight in the community, violence among gypsies. Inattention to religious values. Inattention to native cultural values. Gypsies have believed that the most important reasons for their exclusion are these: Special events, Effect of technology on their life, stigmatization, gender stereotypes. The aspects of gypsies' women's exclusion in this research are the exclusion of facilities, institutional distrust, exclusion of social relevancies, and exclusion of protection. The consequences of this problem are financial deprivation, informational deprivation, celibacy of gypsy's girls. The gypsy's women made some strategies against social exclusion: mutual reaction, choosing the name, seclusion, resistance against natives, special lifestyle, hiding identity, transition of making tools.

Keywords: Social Exclusion, Gender, Ethnicity, Ilam.

1. Master of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran; Tehran; Iran (Corresponding Author).

Email: z.khoshroo65@ut.ac.ir

2. Associate Prof. in Department of Social Planning and Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran; Tehran, Iran.

Email: afirouzabadi@ut.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0001-9379-8127>

3. Assistant Prof. in Department of Social Planning and Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran; Tehran, Iran.

Email: farzizade@ut.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-8020-5844>

مطالعه علل، ابعاد و پیامدهای طرد اجتماعی بر حسب جنسیت

مورد مطالعه: زنان کولی روستای چشمه کبود شهرستان ایلام

زینب خوشرو^۱، سیداحمد فیروزآبادی^۲ و زهرا فرضی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه علل، ابعاد و پیامدهای طرد اجتماعی زنان کولی در روستای چشمه کبود از توابع شهرستان ایلام می‌باشد. انجام این پژوهش با روش کیفی مردم‌نگاری صورت گرفته است. محقق به منظور گردآوری داده‌ها از تکنیک‌هایی مانند مشاهده مشارکتی و مصاحبه و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل موضوعی سود جسته است. در این پژوهش، نمونه‌گیری از بین زنان بومی (منابع طرد) و زنان کولی (اهداف طرد) صورت گرفته است؛ بدین منظور ۱۲ زن بومی و ۱۸ زن کولی مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان داد که زنان بومی به این علل زنان کولی را طرد می‌کنند: عقاید قالبی، عدم رعایت موارد بهداشتی، رفتار کودکان کولی در مدرسه، اهمیت نگاه غالب در اجتماع، شرور بودن زنان کولی، وجود خشونت‌های خانوادگی در بین کولی‌ها و بی‌توجهی کولی‌ها به ارزش‌های دینی و فرهنگی بومیان. درحالی‌که کولی‌ها مهم‌ترین دلایل طرد خود را حوادث خاص، تأثیر فناوری بر زندگی خود، بدنام سازی کولی‌ها، بر ساختن مفهوم کولی و کلیشه‌های جنسیتی دانسته‌اند. مهم‌ترین ابعاد طرد این زنان عبارت‌اند از: طرد از خدمات و امکانات، بی‌اعتمادی نهادی، طرد از ارتباطات اجتماعی، طرد از حمایت درون‌گروهی و برون‌گروهی. برخی پیامدهای این پدیده عبارتند از: محرومیت مادی، محرومیت اطلاعاتی، تجرد دختران کولی، پنهان کردن هویت خویش. با این همه، زنان کولی در برابر طرد استراتژی‌هایی نیز بکار می‌برند: عکس‌العمل متقابل، انتخاب نام، انزوا و جداسازی، مقاومت در برابر بومیان، سبک خاص زندگی، پنهان کردن هویت خویش و انتقال شیوه‌های ساخت ابزار.

واژگان کلیدی: طرد اجتماعی، زنان کولی، جنسیت، قومیت، ایلام.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی توسعه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: z.khoshroo65@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ تهران، ایران.
Email: afirouzabadi@ut.ac.ir
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0001-9379-8127>

۳. استادیار گروه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ تهران، ایران.
Email: farzizade@ut.ac.ir
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-8020-5844>

۱. مقدمه

طرد اصطلاح جدیدی نیست. در جوامع قدیم واژگانی مشابه آن وجود داشت؛ نظیر تبعید به سبک آتن باستان، اخراج از موطن در رم و سایر جوامع. گتو در قرون وسطی به معنای محله منزوی و پریا^۱ در هندوستان، به معنای جدا کردن یک فرد یا گروه از جامعه عادی بود که در برخی موارد نظیر پریا فرد از همه حقوق اجتماعی، مذهبی و ارتباط با دیگران کاملاً محروم می‌شد (زیبرا^۲، ۱۳۸۵: ۱). این مفهوم در کاربرد متأخرش در سال‌های آخر قرن بیستم میلادی مطرح شده است و بیانگر محرومیتی طولانی‌مدت است که به جدایی از جریان اصلی جامعه می‌انجامد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۶) و برخلاف مفهوم تک‌بعدی فقر، ابعاد متکثری دارد. زمانی که طرد اجتماعی در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، در دستور جلسه اتحادیه اروپا به موضوع مهمی مبدل گردید، تعریف این مفهوم بسیار مورد توجه قرار گرفت. کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای تدوین طرح‌های عملیاتی ملی خود درباره ادغام اجتماعی توافق کردند که طرد اجتماعی بر اساس تعدادی از علائم اجتماعی یا عوامل خطرزا تعریف گردد. این عوامل خطرزا که ظاهراً تأثیرات منفی بر چشم‌انداز ادغام اجتماعی داشت، به شرح ذیل است: درآمد کم، اشتغال به کار غیرتخصصی، شرایط نامناسب سلامت و بهداشت، مهاجرت، تحصیلات کم، اخراج از مدرسه، نابرابری جنسی، تبعیض و نژادپرستی، پیری، طلاق، مصرف مواد مخدر، اعتیاد به الکل و زندگی در مکان‌هایی که مشکلات فراوانی دارد (کمیسسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۰۲: ۱۰؛ به نقل از: ساولان‌پور، ۱۳۸۷: ۲۱). با گذشت زمان، مفهوم طرد اجتماعی به‌دفعات مورد بازبینی قرار گرفت و گروه‌های دیگری از قبیل افراد ترک‌تحصیل‌کرده، جوانان بیکار، مهاجران، معلولان، والدین تنها، بیکاران فاقد بیمه و افراد منزوی را نیز در برگرفت (فلوتن^۳، ۲۰۰۶: ۵۵؛ به نقل از فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۹).

بدین ترتیب، عوامل بسیاری وجود دارند که می‌توانند با هم ترکیب شوند و بخش‌های وسیعی از جمعیت را از مشارکت کامل در زندگی رایج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محروم کنند و به حاشیه برانند. این عوامل ممکن است با طبقه، کاست، قومیت، مذهب، سن یا جنسیت در ارتباط باشند. شناسایی کسانی که در معرض طرد اجتماعی هستند، بسیار اهمیت دارد. طرد اجتماعی برای هر کسی می‌تواند اتفاق بیافتد. اما بعضی از مردم به‌طور معناداری بیش از دیگران در معرض

1. Pariah
2. Martin Zybra
3. Tone Floten

طرد قرار دارند (واحد طرد اجتماعی^۱، ۲۰۰۱: ۱۲). زنان و جوانان از جمله گروه‌های مذکور هستند که بیش از سایر گروه‌ها در معرض طرد شدن قرار دارند. این در حالی است که برخورداری از عوامل مطرودساز چندگانه مانند جنسیت، سن، قومیت، نژاد و نظایر آن، به‌طور همزمان در تلاقی با یکدیگر، ممکن است احتمال طرد چنین گروه‌هایی را بسیار افزایش دهد (قاضی‌نژاد و ساوالان پور، ۱۳۸۷: ۲۷).

موضوع مطالعه حاضر، طرد اجتماعی بر حسب عامل کلیدی جنسیت است. سازه جنسیتی، قومی/نژادی و طبقه در فرایندی اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، مردان و زنان بر اساس برخی ویژگی‌ها که از طریق قومیت و جنسیت‌شان تعیین می‌گردد، تعریف و دسته‌بندی می‌شوند. علاوه بر این، از طریق این سازوکار، زنان و مردان در موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی معینی (با توجه به بازنمایی تسلط ویژگی‌های قومی یا جنسیتی‌شان) به منابع دسترسی دارند یا اینکه طرد می‌شوند. این نوع فرایندها می‌تواند در نهادهای مختلف و در روابط پیچیده و سطوح زندگی روزمره دیده شود (ماگیاری^۲، ۲۰۰۶: ۱۰).

کولی‌ها در سراسر دنیا پراکنده هستند. آنها به‌عنوان یک گروه قومی، به لحاظ نحوه زندگی و داشتن هویت فرهنگی خاص، قومیتی مستقل هستند. کولی در اصل، واژه‌ای هندی است و در هندوستان به آن کاولی می‌گویند. این واژه در ایران به دلیل کثرت استعمال، به کولی تبدیل شده است. کولی به طایفه‌ای اطلاق می‌شود که صحراگرد و چادرنشین هستند. آنها دائماً در حال حرکت هستند و در جایی توطن و اقامت نمی‌کنند (قائم مقامی، ۱۳۳۹: ۲۶۲). همان‌طور که بیان گردید، کولی‌ها منشأ هندی دارند. زمان سفر آنها به سایر مناطق جهان را از سال ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ دانسته‌اند (رضایی قلعه، ۱۳۸۳: ۲۰). دیوید مایال در کتابش با عنوان «هویت کولی‌ها: ۲۰۰۰-۱۵۰۰؛ از مصری‌ها و انسان‌هایی از ماه تا قومیت رومانی» به تأیید این موضوع پرداخته است. به اعتقاد وی «کولی‌ها، از پایین‌ترین کاست هند یعنی «پاریاها» یا «سودرها» نشأت گرفته‌اند و از منطقه هندوستان هستند» (مایال^۳، ۲۰۰۵: ۱۱۵؛ به نقل از رضایی قلعه، ۱۳۸۳: ۱۷۷). آنها به سایر نقاط جهان مهاجرت کرده‌اند و در این فرایند در هر جای دنیا که سکنی گزیده‌اند، مذهب، زبان (مانند اکثر کولی‌های ایران) و برخی ویژگی‌های فرهنگی قوم غالب را اتخاذ کرده‌اند. در زمان حاضر، اکثر کولی‌ها، یکجانشین شده‌اند. کولی‌های مورد توجه ما در استان ایلام نیز در حاشیه شهرها یا روستاها ساکن گردیده‌اند. بیشتر مشکلات کولی‌ها از زمانی آغاز شده است که روستاییان با ترک روش‌ها و سبک زندگی گذشته‌شان -کشاورزی سنتی و دامداری- نیازشان به کولی‌ها

1. social exclusion unit
2. Vincenze Magyari
3. David Mayal

(به‌ویژه در زمینه ساخت ابزار و ادوات) را خاتمه‌یافته اطلاق کردند، آنگاه دست رد به سینه کولی‌ها زدند و فرایند طردشان تکمیل گردید (خوشرو، ۱۳۹۳: ۲۱).

بنابراین، هدف مطالعه حاضر این است که علاوه بر آگاهی از وضعیت و ابعاد طرد اجتماعی زنان کولی، پیامدهای این پدیده بر زندگی آنها در روستای چشمه کبود شهرستان ایلام در سال ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب، پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: علل طرد اجتماعی زنان کولی از دیدگاه زنان بومی چیست؟ درک زنان کولی از علل طرد خود توسط بومی‌ها چیست؟ زنان کولی در چه زمینه‌ای دچار محرومیت و طرد شده‌اند؟ پیامدهای طرد اجتماعی از نظر زنان کولی چیست؟

۲. ادبیات پژوهش و پیشینه موجود

در زمینه طرد اجتماعی پژوهش‌هایی در داخل و خارج از ایران صورت گرفته است که در اینجا به مرور پژوهش‌هایی می‌پردازیم که علاوه بر طرد اجتماعی، این پدیده را بر حسب قومیت یا جنسیت مورد بررسی قرار داده‌اند:

۲-۱. پیشینه داخلی

نامنی و همکارانش (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به تأثیر طرد اجتماعی غربت‌ها بر احساس امنیت اجتماعی ساکنین شهر سبزوار پرداخته‌اند. براساس یافته‌های آنها بین این دو مسأله رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه افراد و یا گروه‌های اجتماعی خاص، بیشتر طرد شوند و در انزوا قرار گیرند، امنیت اجتماعی افراد جامعه به همان اندازه به خطر می‌افتد.

صفی‌خانی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به هویت در آستانه کولی‌های ساکن در تهران می‌پردازند. براساس یافته‌های ایشان عمده‌ترین و مکررترین تعاملات کولی‌ها با محیط اجتماعی پیرامونشان عبارتند از: چرخه گدایی- مصرف، اعتیاد- پاک، زندان- آزادی و روابط ناپایدار جنسی. ایشان نشان داده‌اند که چگونه کولی‌ها با گذر از مرحله پیش‌آستانگی در مرحله آستانگی باقی مانده‌اند و نتوانسته‌اند از این مرحله خارج شوند.

اسفاری (۱۳۹۴) در پژوهشی به مطالعه اتنوگرافیک هادوری و تکدی‌گری غربت‌ها در چهارراه‌های تهران پرداخته است. بر اساس نتایج این مطالعه، روابط غربتی‌ها با همسایگان‌شان عمدتاً فرهنگی است و در ساختار اجتماعی غربت، عملکرد فرهنگی هادوری به‌عنوان آیین گذار، از عملکرد اقتصادی آن به مراتب اساسی‌تر است.

ماهیدشتی (۱۳۹۱) در پژوهشی به توصیف تجربه طرد اجتماعی لکها در شهر کرمانشاه پرداخته است. بر اساس نتایج این پژوهش، هم طردکنندگان (منابع طرد) و هم طردشوندگان (لکها) در شهر کرمانشاه حضور دارند. بیش از همه لکهایی که در حوزههای اقتصادی و اجتماعی فعال هستند، مورد طرد قرار می‌گیرند. البته به مرور زمان این مسأله همه لکها را در بر گرفته است و طرد اجتماعی شامل حال کلیت هویت لک شده است. در واقع، فقط لکهای مجرم، در معرض اتهام و طرد نیستند، بلکه هر لکی طرد را تجربه می‌کند. در شهر کرمانشاه طرد در سه حوزه اتفاق می‌افتد که به ترتیب عبارت است از: حوزه اجتماعی، بین‌گروهی و نهادی. در سطح اجتماعی، به دلیل پیشداوری‌هایی که وجود دارد، فرد فقط به دلیل لک بودن طرد می‌شود. سطح نهادی، به اندازه سطح اجتماعی فراگیر نیست و به روایت خود لکها، آنها در دو نهاد صدا و سیما و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی طرد شده‌اند. طرد در سطح بین‌گروهی بیشتر در حوزه کار اتفاق می‌افتد که شکلی از طرد است که مبتنی بر تعریف گروه خاصی در تقابل با گروه مسلط است. این نوع طرد مبتنی بر قوممداری و کلیشه‌های فرهنگی است که تبعات آن را می‌توان در فضاهاهی اجتماعی مختلف مشاهده کرد.

فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹ الف) در پژوهشی با استفاده از روش ترکیبی (کمی و کیفی) متغیرهای "حمایت‌های درون‌گروهی/ حمایت‌های بین‌گروهی/ ناهمگونی پیوندهای بین‌گروهی/ شعاع حمایت/ منابع حمایت/ روابط اجتماعی/ مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی/ شرمساری اجتماعی" را در بین زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد ساکن در روستاهای شهرستان شهریار سنجیده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، چهار عامل به صورت فرایندی باعث طرد اجتماعی زنان سرپرست خانوار شده است. آنها عبارتند از: فقر مزمن؛ فقر بین‌نسلی و خویشاوندی؛ کم‌سوادی و بی‌سوادی بین‌نسلی؛ گسیختگی پیوندها (وقایع خاص).

فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹ ب) در پژوهشی دیگر به بررسی تفاوت میزان طرد در گروه‌های زنان سرپرست خانوار بر حسب اشتغال و نوع اقامت آنها پرداختند. به اعتقاد آنها زنان فقیر از حمایت درون‌گروهی قوی‌تری برخوردارند و در فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی، مشارکتی فعال‌تر نسبت به هم‌تایان مهاجر خود دارند. زنان شاغل نیز نسبت به زنان غیرشاغل، از شبکه حمایتی بین‌گروهی قوی‌تر و ناهمگون‌تری برخوردارند و فعالیت اقتصادی آنها، شعاع حمایتی گسترده‌تر و منابع حمایتی بیشتری را برای آنها فراهم کرده است.

۲-۲. پیشینه خارجی

آکسیو^۱ (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی درباره کولی‌ها در رومانی به بررسی این موضوع پرداخته است که چگونه طرد این اقلیت قومی از آموزش و پرورش بر سایر جنبه‌های زندگی آنها (مانند استخدام، سلامت، مشارکت سیاسی و...) تأثیر می‌گذارد و در نهایت به چه نوع آموزشی نیاز است تا بتوان بر این مسائل غلبه کرد. براساس یافته‌های این پژوهش، برای ادغام بیشتر گروه یادشده در جامعه و مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها، مدارس وظایف مهمی در زمینه آموزش دارند. همچنین می‌توان انجمنی از افراد تحصیل‌کرده تشکیل داد تا نیازهای این‌گونه محلات را درک کنند و برای رفع آنها تلاش نمایند. در زمینه مسکن این گروه‌ها، دولت می‌تواند به جوانان برای داشتن خانه کمک کند؛ و در زمینه سلامت با ارائه طرح‌های جدید در این محلات و مراقبت‌های پزشکی، به ادغام بیشتر آنها کمک شود.

هاسک^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش بود که آیا گروه کورنوال‌ها^۳ - به‌عنوان گروهی متمایز- زندگی اجتماعی متفاوتی را نسبت به سایر گروه‌ها در بریتانیا تجربه می‌کنند؟ وی این مطالعه با روش اسنادی و تاریخی انجام داده است. هاسک در سه حوزه به بحث درباره طرد این گروه خاص پرداخته است. به اعتقاد وی، بین طرد اجتماعی و قومیت کورنوال روابطی وجود دارد. مطالعات دیگری نیز درباره طرد و رابطه آن با متغیرهای مختلف مانند جنسیت، مهاجرت، قومیت و... انجام شده است. از جمله می‌توان به این مطالعات اشاره کرد: تن باوم، مولر^۴ (۲۰۱۱)؛ اسکوتلا، ویل کینز^۵ و کاستانگو^۶ (۲۰۱۳)؛ رادکلیف و پیکنو^۷ (۲۰۱۰)؛ لوری^۹ (۱۹۹۹)؛ و سنتانا^{۱۰} (۲۰۰۲).

برزو الیاسی (۲۰۱۰) نیز در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداخت که جوانان کرد با توجه به فرایندهای ادغام و طرد، چگونه هویت خود را شکل می‌دهند و چگونه با تبعیض نژادی و قومی، برخورد می‌کنند. بر اساس یافته‌های مطالعه فوق، این جوانان در سوئد، داغ ننگ و تبعیض را تجربه

1. Teodor Alexiu
2. Kerry Husk
3. Cornish
4. Signe Moller & Harriet Tenenbaum
5. Rosanna Scutella
6. Roger wilkins
7. Weiping castango
8. Sarah Radcliffe & Anderea pequeno
9. Glenn Loury
10. Paula Santana

می‌کنند و این مسئله خود را در بازار کار، رسانه، مسکن، نظام قانونی و سیستم مدرسه نشان می‌دهد. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند شهروندان سوئدی در دسترسی آن‌ها به مشارکت در جامعه سوئد مانع ایجاد می‌کنند. جوانان مذکور، راهکارهای مختلفی را در برابر این پدیده اتخاذ کردند، از جمله تعویض نام خود به نامی سوئدی، بحث و گفتگو با خودی‌ها و ارتباط با نزدیکان خود، تقویت تفاوت‌های بین خود و دیگران، خشونت، سکوت و نادیده گرفتن عمدی نژادپرستی.

ماگیری^۱ (۲۰۰۶) در یک مقاله به وضعیت بهداشت باروری و دسترسی زنان کولی در رومانی می‌پردازد و از این زاویه طرد اجتماعی اینان را مورد بررسی انتقادی قرار می‌دهد. او معتقد است بر اساس نظر کولی‌ها، طرد شدن آن‌ها ریشه در پیش‌داوری‌های جامعه دارد که از بزرگ‌ترین موانع ادغام کولی‌ها در جامعه محسوب می‌شود. وی سیاست‌های دولت رومانی را در برابر این قومیت مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله مهم‌ترین مباحثی که به آن می‌پردازد عبارت‌اند از: تبعیض در تحصیلات (ارزیابی منفی از کودکان کولی) که پیامدش ترک تحصیل دختران و پسران کولی است یا طرد آنها از بازار کار به محض دادن آدرس محله‌ی خود (کولی نشین). البته وی بیان کرده است که گاهی تحصیل برای یک خانواده کولی، ارزش فرهنگی محسوب نمی‌شود. به اعتقاد وی، زنان ندارند و در فقر شدید به سر می‌برند و عهده دار مسئولیت‌های زیادی هستند. آنها بر اساس جنسیت، قومیت و طبقه از دسترسی به امکانات بهداشت و سلامت باروری طرد شده‌اند.

۳. روش‌شناسی

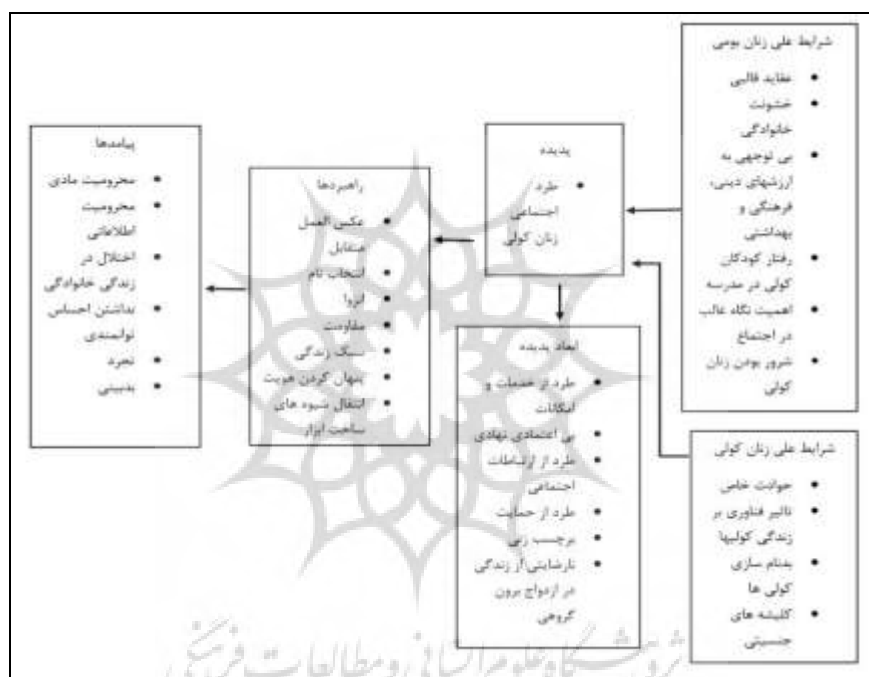
مردم‌نگاری یکی از روش‌های پژوهش کیفی در علوم انسانی است. مهم‌ترین شیوه‌های گردآوری داده‌ها در مردم‌نگاری عبارت است از: مشاهده مشارکتی و مصاحبه (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۶۱). در پژوهش حاضر علاوه بر مشاهده، همچنین به نحوی هدفمند، با ۱۸ نفر از زنان کولی، و ۱۲ نفر از زنان بومی، مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته انجام شده است.

در پژوهش حاضر، همچنین پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های صورت گرفته، برای تفسیر داده‌ها از تحلیل موضوعی استفاده شده است. تحلیل موضوعی، از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به ویژه در مردم‌نگاری است که در سایر روش‌های تحلیل داده‌های کیفی نیز استفاده می‌شود (امرسون^۲ و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲، ۶۶). در تحلیل موضوعی یا تماتیک، مقوله‌ها از طریق مطالعه و بازخوانی دقیق داده‌ها شناسایی می‌شود. جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که پاسخ‌هایی مشابه با مشارکت‌کنندگان قبلی حاصل گردید؛ یک نوع اشباع نظری.

1. Vincenze Magyari
1. Emerson

۴. یافته‌ها

در این بخش به دنبال آن هستیم تا (۱) علل طرد از نگاه زنان بومی و زنان کولی؛ (۲) ابعاد طرد اجتماعی زنان کولی؛ (۳) پیامدهای طرد این گروه؛ و (۴) استراتژیهای کولی‌ها در برابر طرد را براساس یافته‌های پژوهش به بحث بگذاریم. مدل مفهومی زیر بیانگر مراحل مذکور می‌باشد.



شکل ۱: مدل مفهومی طرد اجتماعی زنان کولی

۴-۱. علل طرد زنان کولی

۴-۱-۱. علل طرد از منظر زنان بومی

• عقاید یا تصورات قالبی

عقاید قالبی پیش‌فرض‌هایی هستند که در ذهن افراد نسبت به دیگران وجود دارد و گاهی حتی بدون یک برخورد واقعی با دیگری، رفتارهای انسان برحسب آن‌ها، شکل می‌گیرد و در داوری‌ها و قضاوت‌های فرد معیار می‌شود. درباره کولی‌ها وضعیت به‌گونه‌ای است که تمام ایل‌ها و گروه‌ها و طوایف، توافقی در عقاید قالبی خود درباره آن‌ها دارند که حاصل یک فرآیند تاریخی است:

«کولی‌ها؟ [...] خُب بد هستن دیگه» (زن بومی؛ ۷۱ ساله).
«بهشون می‌گفتن گاو باز [...] می‌گفتن بچه میخورن» (زن بومی؛ ۷۲ ساله).

• خشونت خانوادگی

خشونت موجود در خانواده‌های کولی، یکی از دلایل طرد آنها توسط بومیان می‌باشد؛ دعوا بین کولی‌ها در خانواده‌هایشان یکی از نموده‌های خشونتی است که بومیان به آن حساس هستند: «زیاد دعوا می‌کنند [...] زنهاشون هم همینطورن. زنها با برادرشون، با شوهرشون با پسرشون کتک کاری می‌کنند» (زن بومی؛ ۳۸ ساله).

از طرفی بومیان این را تایید می‌کنند که بیشتر این خشونت از طرف مردان بر زنان اعمال می‌شود:

«مثل قرون وسطا هستن [...] مثلاً مرد کولی زن خودش را جوری کتک میزنه که خونس مثل بز میاد» (زن بومی؛ ۱۸ ساله).

• بی‌توجهی به ارزش‌های دینی، اجتماعی و بهداشتی

دین و ارزش‌های دینی، از مهم‌ترین منابعی هستند که مردم بومی، دیگران را با آن مورد پذیرش یا طرد قرار می‌دهند. این مردم کولی‌ها را «مسلمان» خطاب می‌کنند و برای اشاره به خانه‌هایشان «خانهٔ مسلمان‌ها» را به کار می‌برند تا به این شکل تازه‌مسلمان بودن آن‌ها را نشان دهند؛ زیرا مسلمان بودن یک بومی، یک مسئله‌ای است که از اجداد پدران داشته است و جزء ذاتی او محسوب می‌شود و نمی‌تواند مانند یک برجسب برای خطاب قرار دادن مورد استفاده قرار بگیرد اما درباره کولی‌ها وضع به‌قرار دیگری است زیرا از مسلمان شدن اغلب آن‌ها کمتر از سی سال می‌گذرد. با اینکه بومیان، آن‌ها را این‌گونه خطاب می‌کنند اما همچنان یکی از مهم‌ترین دلایل برای طرد کولی‌ها را معیارهای دینی قرار می‌دهند:

«دلیل ما قومیتشان نیست، مثلاً مثل هندی‌ها فکر کنیم و بگیریم اینا جزء فلان طایفه و قوم‌اند این‌طور باهاشون رفتار کنیم [...] نه به این دلیل که از قدیم‌الایام گفتن این‌ها گوشت گراز میخورن و شکارش میکنن و گوشت گراز هم از نظر دین ما حرومه» (زن بومی؛ ۲۶ ساله).

«البته دلیلش اینه که این زن‌ها، فساد میکنن» (زن بومی؛ ۳۱ ساله).

«اگه بدونم آدم تمیزیه از لحاظ جسمی و... باهاش حرف می‌زنم. اونایی که گوشت گراز میخورن و حمام ندارن یا نمیرن، کلاً بوی بدی میدن» (زن بومی؛ ۳۹ ساله).

• رفتار کودکان کولی در مدرسه

طرد خانواده‌های کولی، به مسئله حضور کودکانشان در مدرسه روستا نیز دامن زده است. معلمان که اغلب از مردم بومی هستند، با کودکان کولی رفتاری تبعیض‌آمیز دارند بنا به گفته یکی از دانش‌آموزان سابق:

«نسبت به ما مثل حیوون باهاشون رفتار و برخورد می‌کردن [...] مثلاً اگه حرف زشتی می‌زدن، فقط حرف، با تکه چوب یا سیلی‌های محکم می‌زدنشون [...] ولی ما گاهی خیلی وضعیتمون وخیم بود شاید سیلی می‌خوردیم یا تذکری» (زن بومی؛ ۱۸ ساله).

کودکان کولی در برابر تبعیض‌ها واکنش‌هایی نشان می‌دادند که منجر به طرد بیشترشان می‌شد: دزدی کردن از مدرسه - در شکل دزدیدن صندلی‌ها، شیر سهمیه دانش‌آموزان، وسایل دانش‌آموزان بومی - زورگیری از دانش‌آموزان، کتک و دعوا و... اشکالی از واکنش‌های آن‌ها بود.

• اهمیت نگاه غالب اجتماع در عدم ارتباط با کولی‌ها

همین نوع نگاه، خودش دلیلی برای طرد کولی‌هاست و بدین ترتیب عمل می‌کند که افراد معدودی از بومیان یا مهاجران سکنی گزیده در روستا که طالب مراوده با کولی‌ها هستند و آن‌ها را نجس نمی‌دانند، از ترس این نظارت دست به هیچ اقدامی نمی‌زنند. یک زن مهاجر، تنها دلیل رفت‌وآمد نداشتن از با کولی‌ها را این می‌داند:

«بیشتر به خاطر دید مردم نمیرم نزدیکشون [...] اینکه مردم به این خاطر، نروند پشت سرم حرف بزنن [...] وگرنه اگه خودم تنهایی بودم به نظرم اون هم یه آدم مثل خودمون بود» (زن بومی؛ ۳۹ ساله).

• شرور بودن زنان کولی

زنان بومی معتقدند زنان کولی، شرور و طالب خشونت و معمولاً به دنبال تحریک مردانشان علیه بومیان هستند:

«تا به ما میرسن، فقط یک حرف، مثل نفت که روی آتش می‌پاشی گر می‌گیره، یک زن کولی همینطوره» (زن بومی؛ ۵۵ ساله).

۴-۱-۲. علل طرد از منظر زنان کولی

• برساختگی مفهوم کولی

«مگه دین ما و شما یکی نیست؟ مگه خدامون همون یه خدای مشترک نیست؟ همین خود تو، به چند خدا قسم می‌خوری؟» (زن کولی؛ ۶۱ ساله).

برای این زن کولی، دلیل و منشأ اصلی تفاوت دینی و سایر تفاوت‌ها را که منجر به طردشان می‌شود، منشائی اجتماعی و انسانی می‌بیند بدین منظور که خداوند همه را با یک چشم می‌بیند: «مسلمون و کافر دیگه معنی نداره [...] یه خدایی ما رو اینطور آفریده شما رو شکل دیگه» (زن کولی؛ ۶۳ ساله).

• حوادث خاص

این حوادث مجموعه‌ای را شامل می‌گردند که منجر به طرد زنان کولی شده‌اند یا از راه‌های مختلف باعث تشدید طرد آنان می‌شوند. زنان کولی که این حوادث را تجربه کرده‌اند، اغلب، به پسر یا شوهر خود به‌عنوان تنها حامی خود نگاه کرده‌اند و با از دست دادن این افراد، آن‌ها بدون حامی شده‌اند و به همین دلیل منبع درآمد خود را از دست داده‌اند. با رخ دادن این اتفاق، این زنان کولی که به دلیل کولی بودنشان از قبل طرد شده‌اند، طردشان تشدید می‌شود. حوادث دیگر که این زنان تجربه کرده‌اند شامل مرگ شوهر، طلاق، خودکشی دختر خانواده در ازدواج برون گروهی، ازدواج موقت و است.

«شوهر قبلیم از خودمون بود اما بد بود. هرروز دعوا و کتک‌کاری. ازش طلاق گرفتم. سه ماه بیشتر زنش نبودم، حالا یه زن بیوه ام و بی صاحب که همین مردم هر حرفی بخوان درباره ام میزنن» (زن کولی؛ ۲۸ ساله).

فرار کردن پسر کولی - بالای ۲۰ سال - یکی از این حوادث است که برای یک زن بیوهی کولی با تعدد فرزندان، اتفاق افتاده است:

«نشستن زیر پاش از خونه رفت. رفیق بد و مردم حسود و فضول، بعد از این اتفاق دیگه هیچ کس منو آدم هم حساب نمی‌کنه» (زن کولی؛ ۶۱ ساله).

• تأثیر فناوری بر زندگی کولی‌ها

از مهم‌ترین مشاغل کولی‌ها، درگذشته، مطربی در عروسی و ختنه سوران و جشن‌ها، ختنه کردن دختران و پسران روستایی، ساخت ابزار مربوط به زندگی کشاورزی و عشایری و... بود. به عقیده زنان کولی، پس از ورود فناوری، کولی، تمام این مشاغل را از دست داد و مجبور به انجام

مشاغل پست تر به عنوان جایگزین مانند کفاشی در گوشه‌ی خیابان‌های شهر یا تکدی‌گری (توسط زنان) شد.

«خیش و الک نمی‌خرن. ختنه هم که دکترا انجام میدن میگن شما نکنین چون باعث عفونت میشه. عروسی هم که توی تالار با ارگ و خواننده انجام میشه. دیگه ما به چه دردی میخورن شوهرامون؟» (زن کولی؛ ۶۲ ساله).

• بدنام‌سازی کولی‌ها

این پروسه از طریق انگ زدن به کولی‌ها، تهمت زدن به آنان، تحقیر و اخراجشان از روستا، منجر به طرد آن‌ها از جریان عادی زندگی بومیان می‌شود.

«بعد که خونه رو دادیم و داشتیم می‌رفتیم اون برگه رو به ما نشون داد یکی، همه روستا امضا کرده بودن با هزارتا تهمت دزدی و فساد و... گفته بودن ما مؤمنیم این‌ها زندگی ما رو آلوده کردن آخه چه حرامی؟» (زن کولی؛ ۳۸ ساله).

• کلیشه‌های جنسیتی

در بین زنان کولی - به عقیده من - آنچه کلیشه‌های جنسیتی نامیده می‌شود، مانند یک ویژگی زنانه پذیرفته شده است. اگرچه زنان بومی بر این تصورند که زنان کولی، زن‌هایی هستند که قاعده و قانونی را رعایت نمی‌کنند اما اکثر آن‌ها هم به‌مانند زنان بومی، گوشه‌خانه بودن و نقش بلامنازع مردهایشان - پسر و شوهر و برادر- را پذیرفته‌اند. زنان کولی هم لحظات سخت برخورد مادر شوهر یا اقوام به خاطر پسر نداشتن و اجاق کور بودن را تحمل کرده‌اند و می‌دانند داشتن هوو و کتک خوردن از شوهر در برابر دفاع مرد از هوو، چه بار سخت روحی روانی را بر یک زن، تحمیل می‌کند.

«خب جای زن کجاست؟ فقط همین کارهای خونه سس و خدا بالای سر (هیچ کار دیگه)» (زن کولی؛ ۳۹ ساله).

۲-۴. ابعاد و وضعیت طرد اجتماعی زنان کولی

• طرد از خدمات و امکانات (آموزشی، درمانی، فرهنگی، بهداشتی و...)

کولی‌های مورد مطالعه ما، از بسیاری از امکانات و خدمات محروم هستند و این یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین ابعاد طرد آن‌ها است. در واقع، طرد فقط در روستا و در ارتباط با بومیان اتفاق

نمی‌افند، بلکه در اداره‌ها و سازمان‌های دولتی نیز، بین کولی‌ها و دیگران، تفاوت‌هایی قائل می‌شوند و برخوردهای نامناسبی با آنها دارند. آنها از خدمات مختلفی یعنی خدمات آموزشی، مسکن مناسب، خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات قانونی و خدمات عمومی طرد شدند.

«چند بار بهزیستی رفتم برای کمکی، چیزی. گفتن نمیتونن این طوری کمک کنن. کمیته هم نه. تحت پوشش نیستیم گفتن خانواده‌های بدتر از شما هم هست. تو شوهرت زنده است» (زن کولی؛ ۳۷ ساله).

«نه مدرسه رفتیم نه جایی. اصلاً کلاً نابینا و کورم. هیچی بلد نیستیم» (زن کولی؛ بی‌اطلاع از سن خود).

از عواقب طرد از خدمات و امکانات، می‌توان به شرایط نامساعد و تحمل سختی‌های بسیار در زندگی، عدم آگاهی به دلیل بی‌سوادی - گاه زنان حتی از سن خودآگاهی ندارند- و یا سطح پایین تحصیلات، نداشتن مسکن و اجاره‌نشینی‌های نامناسب و در نهایت حاشیه‌نشینی، اشاره کرد.

• بی‌اعتمادی نهادی

زنان کولی به نهادهای موجود در روستا و نیز نهادهای شهر، اعتماد ندارند. عمده بی‌اعتمادی آن‌ها در این زمینه به بانک و نهادهای بهداشتی (درمانگاه) و شورای اسلامی روستا است. دید آن‌ها به نهادی مانند بانک پر از سوءظن است در حدی که آن‌ها هرگونه درخواست برای دریافت تسهیلات (وام و...) از این نهادها را عملی قبیح می‌دانند:

«نه خدا نکنه [...] پام تا حالا به بانک باز نشده [...] اونجا وام نمیدن که آدمو میخرن [...] اصلاً زنی نیستیم که برم دنبال وام و اداره و خدایی نکرده از این چیزا» (زن کولی؛ ۳۸ ساله).

از طرفی زنان، معتقدند به دلیل نداشتن ضامن، حامی و... شوهرانشان نیز از هرگونه دریافت خدماتی در این زمینه طرد هستند:

«من توی عمرم پام به اداره باز نشده، چطوری وام بگیرم. تازه اگه شوهرم یا پسر هم بخوان بگیرن اونقد چیزای مختلف میخوان، ضامن و... ما نداریم» (زن کولی؛ ۵۶ ساله).

از جمله نهادهای دیگری که در روستا فعالیت می‌کنند، نهادهای بهداشتی - درمانی هستند که زنان کولی، به دلیل بی‌اعتمادی‌شان به آن‌ها، از خدمات آن‌ها نیز محروم هستند؛ به طوری که دختر کولی درد شدید دندان و عفونت را تحمل می‌کرد و به درمانگاهی که در روستا بود، مراجعه نمی‌کرد:

«نه من توی این روستا هیچ جا نمی‌رم. می‌ترسیم که دکترش هم بیاد داروی اشتباهی بده ما رو بکشه یکی‌یکی» (زن کولی؛ ۶۰ ساله).

این بی‌اعتمادی نهادی به‌شدت بر مشارکت کولی‌ها در امور روستا تأثیرگذار است و مهم‌ترین پیامد بی‌اعتمادی نهادی برای کولی‌ها، طردشان از مشارکت اجتماعی و سیاسی در روستا است. در ضمن تلاش بومیان برای اخراج کولی‌ها از روستا نیز یکی از مهم‌ترین موانع مشارکت کولی‌ها محسوب می‌شود.

• طرد از ارتباطات اجتماعی

زنان کولی در چهار زمینه از ارتباطات اجتماعی طرد شدند: ارتباط با بومیان، ارتباط با همسایگان، ارتباط با فامیل و اقوام و ارتباط با شهر. غریبه دانستن خود، محتمل‌ترین حسی است که اغلب به هر انسان بیرونی که وارد گروهی می‌شود، دست می‌دهد. که گرچه تمدن روزبه‌روز پیشرفت کرده و گروه‌ها، گسترده شده‌اند، باین حال کماکان جامعه بومی نسبت به این بیگانه‌ها، احساس خصومت می‌کند و با تمام اهرم‌هایش در تلاش است آنها را بیرون از مرزهای خود به شکل یک بیگانه، نگه دارد و این فرآیند، منجر به طرد آن‌ها می‌شود.

«نه والله نه اصلاً نمی‌ریم. اون‌ها نمیان خونه ما، ما هم نمی‌ریم خونه اون‌ها. دلیلش اینه که ما غریبیم؛ غریبی نمیدونی چه دردی» (زن کولی؛ ۶۳ ساله).

کولی‌ها، علاوه بر احساس طردشدگی از دایره روابط با بومیان و همسایه‌ها، درون گروه خود نیز این احساس را تجربه می‌کنند. آن‌ها به دلایل مختلفی از ارتباط با اقوام خود که اعضای قوم‌شان را تشکیل می‌دهند نیز مطرودند که گاهی حتی منجر به انکار هر نوع رابطه خویشاوندی نیز می‌شود: داشتن دختر، ترس از تهمت، ترس از خشونت و محیط غیردوستانه اقوام از عمده دلایلی هستند که زنان کولی به دلیل آن‌ها با اقوام، قطع ارتباط می‌کنند. آنها معتقدند در کنار هم بودن و حرف زدن با همدیگر باعث می‌شود حرف‌های دیگر به میان بیاید و همین منجر به خشونت می‌شود و به دلیل وجود این محیط غیردوستانه، ارتباط خود را با آنها قطع می‌کنند: «ما دیدیم کسانی بیخود توی یه مهمونی خانوادگی کشته شدن [...] کنار هم بودن مردها خوب نیست [...] میشینیم گوشه خونه خودمون، کسی هم قاتل نمیشه» (زن کولی؛ بی‌اطلاع از سن خود).

• **طرد از حمایت اجتماعی (درون‌گروهی / برون‌گروهی)**

کولی‌ها از وجود حامی در خانواده، حمایت مالی و حمایت از طرف زنان دیگر نیز محروم هستند. طرد از حمایت برون‌گروهی برای یک زن کولی، مسئله‌ای است که در ذهن بومیان به‌عنوان پیش‌فرض وجود دارد. افرادی که از حمایت برون‌گروهی برخوردار نیستند و عواقب آن را هم به اشکال مختلف تحمل می‌کنند، عمدتاً درون‌گروه خود - که شامل خانواده نیز می‌شود - مأمی دارند، در حالی که زنان کولی از این نظر هم با محرومیت مواجه هستند و در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کنند. وقتی یک زن کولی در خانواده‌اش حامی ندارد، تنها چیزی که در انتظار اوست، تنهایی و انزواست:

«درد دلم چیه؛ اینجا و اونجا هر جا بمیریم کسی حتی ما رو نمی‌بینه؛ تنها و بی‌پناه» (زن کولی؛ ۵۸ ساله).

• **تبعیض**

تبعیض درباره کولی‌ها به دو صورت اعمال می‌شود: یکی به صورت تبعیض علیه زنان در اجتماع کولی و دیگری تبعیض بین بومیان و کولی‌ها. تبعیض علیه زنان را به هر گونه اعمال رفتاری می‌گویند که مردان را از زنان برتر می‌پندارند و پیامدهایی را موجب می‌شود، در مورد زنان کولی در چند زمینه این تبعیض اعمال شده است: در چندهمسری، اهمیت دادن به مردان و پسران به‌عنوان تنها مرجع در خانواده، تبعیض علیه دختران کولی از طرف پدر، مادر و برادران. «اون بیشتر ما رو میزنه؛ دو تامون رو. یا اگه نزنه از زن کوچک دفاع میکنه [...] اون هنوز بروویی داره براش پسر به دنیا آورده» (زن کولی؛ ۵۶ ساله)

• **فقر بین‌نسلی**

زمانی که فقر نسل قبل به نسل بعد منتقل می‌شود، نسل دوم به دلایلی غیر از صرفاً عدم «تلاش فردی»، فقیر هستند. فقر کولی‌ها چیزی است که از پدرانشان به ارث برده‌اند: «ما این‌قدر سختی کشیدیم که نگو؛ آرد جو و بلوط رو نان کردیم [...] کسی بهمون قرض نمیداد آرد گندم بده [...] فقیریم دیگه؛ فقیری اینطوره. هنوزم اینطوره وضعمون؛ تغییری نکرده» (زن کولی؛ ۶۳ ساله).

از طرف دیگر این فقر از طریق ازدواج نیز به نسل بعد منتقل می‌شود و همین تداوم فقر، وضعیت زنان را در نسل‌های مختلف بدتر می‌کند و برای زنان مسن‌تر از نسل قبل، فقر فرزندان دختر و پسرشان، نوعی زجر برایشان محسوب می‌شود.

«خودمون فقیر بودیم با یکی بدتر از خودمون ازدواج کردیم؛ بهتر نشدیم که بدتر شدیم» (زن کولی؛ ۵۸ ساله).

• برچسب‌زنی به کولی‌ها توسط بومیان

بومیان با داشتن تصورات قالبی درباره کولی‌ها، تمام رفتارها و صحبت‌های خود را با جهت‌گیری‌های خاصی علیه کولی‌ها شکل می‌دهند. این مسئله حتی در لحن صحبت یک بومی مبرهن است. مشاهده گردید که یک مرد بومی، در کل صحبتش با زن کولی از کنایه استفاده می‌کرد و مکرر به زن باره بودن او اشاره می‌کرد. زن کولی با وجود ناراحتی از این‌گونه حرف‌ها، با خونسردی با مرد بومی برخورد می‌کرد، در حالی که مرد بومی تا چند لحظه در حال خندیدن و لذت بردن از حرف‌های خود بود.

بومیان که خود از عوامل مهم زندگی محقرانه کولیان هستند، هرگاه فرصتی پیش می‌آید که زندگی کولیان در معرض دید همگان قرار می‌گیرد، به تمسخر آنها می‌پردازند. چنانچه در یک مورد کلیپی خصوصی از رقص کولیان کرمانشاه پخش شد و مردم به تمسخر آنها پرداختند.

• نارضایتی از زندگی در ازدواج برون‌گروهی

آنچه که در بین کولی‌ها رواج دارد، پدیده ازدواج درون‌گروهی است اما گاهی بین کولی‌ها و اقوام دیگر، ازدواج‌هایی صورت می‌گیرد که ازدواج برون‌گروهی نامیده می‌شوند. کولی‌ها معمولاً به دلایل گوناگون تن به ازدواج برون‌گروهی می‌دهند. ازدواج با مردان مسن، اعمال خشونت توسط شوهر غیر کولی، ازدواج موقت و احساس ناامنی ناشی از آن، مسائلی که از طرف خانواده شوهر غیرکولی تحمیل می‌شود، از جمله مسائلی است که باعث می‌شود زنان کولی در ازدواج برون‌گروهی، احساس نارضایتی کنند.

«حالا بزرگه ازدواج کرده و دو تا دختر داره و یه پسر [...] دادمش به یه پیرمرد؛ شوهرم راضی نبود ولی من شوهرش دادم گفتم به هر حال دختره چکارش کنیم [...] اون پیرمرد زنشو طلاق داد [...] حالا دخترم هرروز میگه مادر مدیونمی؛ منو شوهر دادی به یه پیرمرد [...] سن و سالی نداره جوونه [...] گفتم دخترم عیب نداره؛ تو چکار داری پیره یا نه حقوقشو بگیر بخور پول داره سنش چه اهمیتی داره یه پسر هم ازش داری. ناراحته هر وقت میره دکتری جایی ازش میپرسن باباته؟ اینقدر شوهرش پیره» (زن کولی؛ ۶۱ ساله).

خشونت، اهمیت ندادن به بنیان خانواده (در ازدواج موقت)، قطع ارتباط و طرد بیشتر کولی‌ها توسط خانواده‌های همسر غیر کولی‌شان، خودسوزی زن کولی و... از پیامدهای این ناراضیتی و ازدواج برون گروهی است.

۳-۴. پیامدهای طرد اجتماعی زنان کولی

• محرومیت مادی

بین طرد اجتماعی و محرومیت مادی، روابط چندگانه‌ای وجود دارد. یک دسته‌بندی وجود دارد که افراد را به سه دسته «فقیر، مطرود، فقیر و مطرود» تقسیم می‌کند. درباره کولی‌های مورد مطالعه ما، دسته سوم، هم مطرود و هم فقیر صدق می‌کند. محرومیت مادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها، هم پیامد و هم به صورتی برگشتی، علت طرد است. همین مقوله منجر به این می‌شود که از خدماتی مانند خدمات درمانی، مراقبت‌های بهداشتی، مسکن، آموزش محروم باشند:

«خدا بیامرز زود رفت جوانم‌رگ شد. علتش هم معلوم نشد گفتن بیماری قلب بود.

پول نداشتیم پیگیری کنیم توی جوونی مرد» (زن کولی؛ ۶۲ ساله).

«فقیری یعنی همین. وقتی نان نیست کی مدرسه میره. دنبال لقمه‌ای نون میری

اگه چیزی بتونی بیاری» (زن کولی؛ ۳۷ ساله).

«گاز نداریم. برق هم دو شعله کشیدیم. آب کمه. نمی‌دو نم فقط خدا کمکمون

کنه. سقف شبای بارانی چکه میکنه الان هم که زمستانه. همه‌اش مجبوریم گل بمالیم

روی سقف» (زن کولی؛ ۶۳ ساله).

• محرومیت اطلاعاتی

بومیان هنگام برگزاری جلسات علیه کولی‌ها، هیچ‌گاه آنها را دعوت نمی‌کنند. همین مسئله باعث شکل‌گیری یکی از پیامدهای مهم طرد به نام «محرومیت اطلاعاتی» می‌شود و در این هنگام می‌شود علیه او امضا جمع‌آوری کرد و او را متهم به جرائمی کرد و ناخوانده او را محاکمه کرد و از زندگی در روستا و از حقوقش محروم کرد:

«وقتی جلسه می‌ذارن ما هم باید باشیم. توی اون جلسه همه جور تهمتی به ما

میزنن خب ما رو هم دعوت کنن یا بذارن بریم رو در رو بهمون بگن جرم هامون رو»

(زن کولی؛ ۶۰ ساله).

• احساس ناتوانی فردی

سالیان درازی کولی‌ها در سرزمین مورد مطالعه، به ساخت ابزار مورد احتیاج روستاییان و عشایر پرداخته‌اند و زنان کولی نیز یا صاحب ابزار بوده‌اند و به ساخت دوک، سرند و... می‌پرداختند یا ساخته‌های مردانشان را برای فروش به دهکده‌ها و روستاها می‌برند و دوره‌گردی می‌کردند. زنان نسل گذشته کولی‌ها، دچار احساس کم‌ارزش شمردن خود شده‌اند:

«البته دوک و سرن و... بدم، اینا که دیگه ارزشی ندارن تقریباً از بین رفته، پس من هیچی ندارم هیچی نیستم» (زن کولی؛ ۶۱ ساله).

• بدبینی

بدبینی کولیان به چند دسته تقسیم می‌شود: به بومیان، اجتماع و خانواده خود. بدبینی نسبت به بومیان که تبدیل به نوعی واکنش در برابر اعمال طرد توسط آن‌ها شده است؛ و وقتی زن کولی درباره‌اش صحبت می‌کند نوعی عقیده قالبی را به ذهن می‌آورد:

«همین جوری‌اند. بدون اینکه حرفی بزنی دقیقاً مثل سگ‌ها ر یقه تو می‌چسبن ول کن نیستن. همه شون همین‌طورن» (زن کولی؛ ۴۳ ساله).

بعد دیگر این بدبینی گریبان اجتماع را می‌گیرد که به همان «برساختگی مفهوم کولی» برمی‌گردد که در طرد شدن خود، اجتماع خویش را مقصر می‌دانند:

«ما این‌طور نبودیم؛ این‌طوری بدبختمون کردن» (زن کولی؛ ۴۳ ساله).

۴-۴. استراتژی‌های کنش‌ورزی زنان کولی در برابر طرد اجتماعی

• عکس‌العمل متقابل کولی‌ها در برابر بومیان

کولی‌ها از این طریق سعی در تخلیه عواطف منفی خود دارند و با انجام این اعمال احساس آرامش می‌کنند.

«چرا ما باید با کسی نسازیم؛ مگه الان توی این روستا نیستیم؟ پس چرا می‌سازیم.

کسی حرف نزنه بهت باهکاری نداشته باشه مگه آدم هاره بیره به این و اون» (زن کولی؛ ۳۸ ساله).

«ولی اگه تو با زبان خوش و مهربانانه با من حرف زدی، من قدمتو می‌ذارم روی

چشام [...] ناموس و حرفای ناموسی خیلی مهم‌اند» (زن کولی؛ ۶۳ ساله).

• انتخاب نام

کولی‌ها در این زمینه تضادهای بسیاری دارند. از طرفی آنان سعی در حفظ فرهنگ قومی‌شان دارند که این تلاششان خود بهانه‌ای برای طرد بیشترشان از طرف بومی‌ها شده است. از طرف دیگر آن‌ها دوست ندارند داغی بر پیشانی داشته باشند و به واسطه آن شناسایی و از زمینه‌های بسیاری محروم و طرد شوند. در کشاکش این تضاد به نام‌ها و نام‌های خانوادگی کولی‌ها به‌عنوان نشانه‌ای از عقاید و فرهنگ این افراد برمی‌خوریم که این تضاد را بازنمایی می‌کنند. اما از طرفی استفاده از نام‌های مذهبی برای کودکان - اغلب پسر- و فامیلی‌هایی مانند اسلامی، نشان‌دهنده آن تلاشی است که در ابتدای انقلاب اسلامی برای مسلمان کردن کولی‌ها و ادغام آن‌ها صورت گرفت.

• مقاومت در برابر بومیان

هدف نهایی بومیان، تلاششان برای اخراج کولی‌ها از روستاست؛ نمونه‌ای از این هدف، تلاش برای خریدن خانه‌های کولی‌هاست؛ که البته کولی‌ها به آن تن در نمی‌دهند.

«یه قیمت پایین چرا باید بفروشم و برم از اینجا؟ حاضر نیستم این کارو بکنم. من ۶ ساله بی‌حمومی رو تحمل کردم ولو صدسال دیگه تحمل می‌کنم اما از اینجا نمیرم» (زن کولی؛ ۶۰ ساله).

از دیدگاه کولی‌ها، افرادی که مقاومت نکردند و خود را به قیمت پایین فروختند، انگ خورده و تحقیر شده و بدنام شده‌اند.

• انتقال شیوه‌های ساخت ابزار به نسل جدید

از دیگر راهبردهای کولی‌ها در برابر فقر، یادگیری ساخت ابزار مختلف موردنیاز کشاورزان و روستاییان است. با این روش علاوه بر برطرف کردن نیازهای معیشتی خود، به‌نوعی در جهت ادغام در گروه غالب، تلاش بیشتری می‌کنند. هرچند داشتن این حرفه، برای کولی‌ها درآمدزایی چندانی نداشت و الآن هم تقریباً از بین رفته است اما حس توانمندی را در آن‌ها زنده نگه می‌داشت. البته این بیشتر در رابطه با زنان کولی در نسل‌های گذشته صادق بوده است و امروزه زنان نسل گذشته دیگر به دخترانشان این حرفه‌ها را نمی‌آموزند:

«خب یاد گرفته بودیم مثل این‌ها که لیف میبافن همین‌طوری [...] مادرم بهمون

یاد داده بود» (زن کولی؛ ۶۳ ساله).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

طرد به‌عنوان سازه‌ای مفهومی در دهه‌های اخیر شکل گرفته است. طرد اجتماعی در قالب یک مفهوم رابطه‌ای، پویا و چندبعدی بیانگر وضعیتی است که در آن فرد از جریان اصلی محیط اجتماعی و فرهنگی جامعه، جدا شده است. برخی افراد و گروه‌ها به دلایلی بیشتر در معرض خطر طردشدگی قرار دارند. زنان کولی نیز بر اساس جنسیت و قومیت‌شان طرد شده‌اند.

در پاسخ به سؤال اول یعنی علل طرد از نظر زنان بومی، مجموعه‌ای از عوامل را در کنار کولی بودن به‌عنوان مهم‌ترین عللی می‌دانند که در ساختار روستا منجر به طرد زنان کولی می‌شود: داشتن عقاید قالبی توسط بومیان درباره کولی‌ها؛ داشتن خشونت خانوادگی در بین خانواده‌های کولی؛ تمایز و تلاش کولی‌ها برای حفظ فرهنگ قومی‌شان - که باعث متفاوت بودنشان می‌شود؛ بی‌توجهی کولی‌ها به ارزش‌های بومیان در زمینه ارزش‌های دینی، فرهنگی و عدم رعایت موارد بهداشتی توسط زنان کولی؛ نگاه غالب ضد کولی در اجتماع؛ شرور بودن این زنان؛ و در کنارش رفتارهای کودکان کولی در مدرسه به این طرد کمک می‌کند.

اما دلایلی که زنان کولی برای طرد خود از اجتماعات محلی بر می‌شمرند با این دلایل بسیار فرق دارد و همین مسئله لزوم داشتن یک دید آمیک را در مسائل مربوط به اقوام و علی‌الخصوص در این مورد کولی‌ها، توجیه می‌کند. زنان کولی در زمینه طرد خود، دلایلی را برشمرده‌اند از جمله: حوادث خاصی که در زندگیشان اتفاق افتاده است، مانند مرگ شوهر، خودکشی دختر، طلاق و... که خود به‌نوعی منجر به طردشان شده است. البته در کنار این‌ها ورود فناوری به زندگی روستاییان از طریق کاهش نقش کولی‌ها در اقتصاد روستا بر طرد تأثیر گذاشته است. از دلایل دیگر بدنام سازی کولی‌ها توسط بومیان است. همچنین کلیشه‌های جنسیتی طرد زنان کولی را دوچندان می‌کند.

مهمترین ابعاد طرد زنان کولی از دید خودشان عبارت بود از: طرد از خدمات گوناگون شامل ابعاد مختلفی مانند طرد از خدمات درمانی و بهداشتی؛ طرد از نهادهای آموزشی؛ طرد از مشارکت سیاسی و اجتماعی؛ طرد از خدمات قانونی در دادگاه‌ها؛ و طرد از خدمات عمومی. طرد پدیده‌ی چندبعدی است و زنان کولی از ابعاد دیگر نیز طرد را تجربه می‌کنند: بی‌اعتمادی نهادی؛ طرد از ارتباطات اجتماعی؛ طرد از حمایت‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی؛ تبعیض؛ برجسب‌زنی توسط بومیان؛ فقر بین نسلی؛ نارضایتی از زندگی در ازواج برون‌گروهی.

آن‌ها مهم‌ترین پیامدهای طرد خود را نیز موارد زیر دانسته‌اند: انزوا و جداسازی؛ این مسئله حتی در شکل کالبدی روستا نیز تأثیر گذاشته است؛ بدین شکل که اغلب خانه‌های آن‌ها پشت به روستا روی یک تپه دور ساخته شده‌اند. آن‌ها سبک خاصی از زندگی را در پیش گرفته‌اند که عبارتند از: داشتن فرزندان متعدد؛ چندهمسری؛ قناعت بسیار به دلیل فقر؛ تن دادن به تقدیر و سرنوشت؛ تسلیم بودن در برابر حوادث آینده و عدم امید به آینده.

کولی‌ها با وجود به‌کارگیری تلاش خود برای مقاومت در برابر بومیان، باز مجبور به پنهان کردن هویت خود هستند که اغلب هم موفق نمی‌شوند زیرا کولی‌ها از نظر فیزیکی به راحتی برای بومیان شناخته شده هستند. این زنان در طی زمان، دانسته‌های خود از ساخت ابزار را به فرزندان دختر خود انتقال داده‌اند تا در برابر فقر و طردی که می‌بایستی تحمل می‌کردند، آن‌ها را محافظت کند. اما هیچ‌کدام از این راهبردها منجر به رهایی آن‌ها از دام طرد نشد. دامی که آن‌ها را دچار محرومیت مادی، محرومیت اطلاعاتی، اختلال در زندگی خانوادگی، نداشتن احساس توانمندی، مجرد ماندن دخترانشان کرده است. زنان کولی، به شدت در فقر و محرومیت اقتصادی هستند و با توجه به سایر عواملی که تشدیدکننده طرد فقرشان هستند، آن‌ها توانایی خروج از فقر را ندارند. کولی‌ها از طرفی از محرومیت اطلاعاتی رنج می‌برند به این معنا که به دلیل طرد و عدم رفت‌وآمد با روستا، آن‌ها از روستای اطلاع هستند و به همین دلیل روستاییان توانایی پیدا می‌کنند و بدون اطلاع آن‌ها، علیه‌شان امضاء جمع می‌کنند و بیانیه می‌دهند و باعث اخراج آن‌ها از روستا می‌شوند. این مسائل از یک طرف باعث رقم خوردن مشکلات روانی مانند نداشتن احساس توانمندی آن‌ها می‌شود و دخترانی که به همین شکل زندگی می‌کنند و با اختلالات خانوادگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، به دلیل پیامدهای بسیار طرد برای خانواده‌هایشان، مجبور به زندگی مجردی هستند که در آن کنترل‌ها و سختگیری‌های خانواده و اجتماع هم به آن اضافه می‌شود.

در پژوهش ماهیدشتی (۱۳۹۱) که مانند پژوهش حاضر به بررسی تجربه یک قوم (لک‌ها) از طرد اجتماعی پرداخته بود، طرد اجتماعی لک‌ها در سه زمینه اجتماعی، نهادی و بین گروهی وجود داشته است که در زمینه اجتماعی، با یافته‌های ما مشابهت دارد. در یافته‌های پژوهش ما نیز عقاید قالبی منجر به تمایز و جداسازی «ما» از «غریبه»‌ها می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر در مقایسه با یافته‌های پژوهش فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹) الف (ب) نیز حاکی از آن است که مشابه یافته‌های ایشان زنان کولی از حمایت‌های درون گروهی و برون گروهی و روابط اجتماعی طرد شده‌اند. اما در زمینه طرد از مشارکت اجتماعی و شرمساری اجتماعی، یافته‌های دو پژوهش متفاوت است. در جامعه مورد بررسی فیروزآبادی و صادقی مهم‌ترین دلیل برای طرد زنان سرپرست خانوار، فقر آنان است اما در پژوهش حاضر زنان کولی در

ابتدا به دلیل کولی بودن و قومیت خود دچار طرد می‌شوند. از طرفی طبق یافته‌های فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹ ب) فعالیت زنان در بازار کار موجب تقویت پیوندهای بین گروهی‌شان شده و آن‌ها را از حمایت، شعاع حمایتی گسترده و منابع حمایتی بیشتری برخوردار کرده است در حالی که درباره زنان کولی اینگونه نیست.

آنچه بین پژوهش هاسک (۲۰۱۱) و پژوهش حاضر مشابه است - به‌مانند مطالعه فلوتن و اسلاند - توجه به متغیر قومیت و ارتباط آن با طرد اجتماعی است. یافته‌های الیاسی (۲۰۱۰) هم حاکی از آن است که جوانان کرد نیز مانند کولی‌ها، داغ ننگ و تبعیض را تجربه می‌کنند و این موضوع در زمینه‌های بازار کار، مسکن، نظام قانونی و سیستم مدرسه رواج دارد.

طبق یافته‌های ماگیاری وینزه (۲۰۰۶) پیشداوری‌های جامعه از مهم‌ترین عوامل طرد و عدم ادغام زنان کولی محسوب می‌شود. همچنین طرد به شکل تبعیض در تحصیلات، طرد از بازار کار، فقر شدید زنان کولی و نداشتن اقتدار خودش را نمایانده است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز وجود پیش‌داوری‌ها به عنوان یکی از عوامل طرد را تأیید می‌کنند. همچنین طرد از تحصیلات، از بازار کار (در شکل مشاغل سطح پایین)، محرومیت و فقر شدید کولی‌ها از مشابهات دیگر این دو پژوهش است.

آنچه در مطالعه آلکسیو (۲۰۱۳) نیز با یافته‌های ما مشابهت دارد طرد کولی‌ها از خدمات آموزشی است که منجر به بی‌سوادی در زنان کولی و سپس انتقال آن به نسل بعد می‌شود. از تفاوت‌های این دو پژوهش میتوان به توجه به متغیر مشارکت سیاسی و سلامت اشاره کرد.

منابع

- اسفاری، میترا (۱۳۹۴). «پویایی هویتی غربت ها: مطالعه اتنوگرافیک هادوری در چهارراه‌های تهران». *مجله انسان‌شناسی*، ۱۳ (۲۲): ۳۷-۱۱.
- پویا، علیرضا؛ و ملکی، زینب (۱۳۹۱). «راهبرد کیفی پژوهش قوم‌نگاری، پارادایم، ویژگی‌ها و مباحث تکمیلی». *مجله توسعه‌سازمانی پلیس*، ۴۱ (۲۸)، ۸۲-۶۱.
- خوشرو، زینب (۱۳۹۳). *مطالعه طرد اجتماعی زنان کولی روستای چشمه کبود ایلام* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی توسعه). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ تهران. ایران
- رضایی قلعه، رحمت (۱۳۸۳). *اتنوگرافی گذارهای بهشهر* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد انسان‌شناسی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ تهران. ایران.
- زبیرا، مارتین (۱۳۸۵). *نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی* (مترجم سیدحسن حسینی). تهران: انتشارات آن.
- ساوالان پور، الهام (۱۳۸۷). *بررسی رابطه بین طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد در دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر تهران* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی). دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء؛ تهران، ایران.
- ساوالان پور، الهام؛ و قاضی نژاد، مریم (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد در دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر تهران». *مجله مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶ (۶۳): ۱۸۰-۱۳۹.
- صفی‌خانی، ثمره؛ موسوی، سید یعقوب؛ رجب‌لو، قنبرعلی (۱۳۹۵). «هویت در آستانه کولی‌های ساکن تهران». *مجله تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹ (۳): ۲۹-۱.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ و صادقی علیرضا (۱۳۹۲). *طرد اجتماعی؛ رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت*. تهران: جامعه‌شناسان.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ و صادقی، علیرضا (۱۳۸۹ الف). «وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی». *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۱): ۱۷۴-۱۴۳.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ و صادقی، علیرضا (۱۳۸۹ ب). «مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت». *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۸ (۲): ۱۱۴-۹۳.
- قائم‌مقامی، عبدالوهاب (۱۳۹۳). «کولی‌ها کیستند و کجایی هستند؟». *مجله ارمغان*، ۲۷ (۶): ۲۷۰-۲۶۲.
- ماهیدشتی، میثم (۱۳۹۱). *تجربه طرد اجتماعی در شهر کرمانشاه؛ مطالعه موردی: تجربه لک‌ها* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کردستان؛ سنندج، ایران.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روشن تحقیق کیفی ضد روش؛ جلد ۱*. تهران: جامعه‌شناسان.

- نامنی، ابراهیم؛ نامنی، روح الله؛ و غربی، موسی‌الرضا (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر طرد اجتماعی غربت‌ها بر احساس امنیت اجتماعی ساکنین شهر سبزوار». *مجله مطالعات/امنیت اجتماعی*، ۵۳ (۱): ۶۲-۳۳.
- Alexiu, T M (2013). Roma Community and Social Exclusion. *Revista de Asistentă socială*, Anul xII, NR 4, 7-14
- Cabinet office.social exclusion unit (2001). *Preventing Social Exclusion*; Londen. www.cabinet-office.gov.uk/seu/index.htm
- Cabinet office.social exclusion unit (2001). *Preventing Social Exclusion*; Londen. www.cabinet-office.gov.uk/seu/index.htm
- Eliassi, B (2010). *A Stranger in my Homeland: The Politics of Belonging among young people with Kurdish backgrounds in Sweden* (Doctoral dissertation, Universitetstryckeriet).
- Fereday, J, and Muir-Cochrane, E (2006). Demonstrating Rigor Using Thematic Analysis: A Hybrid Approach of Inductive and Deductive Coding and Theme Development. *International journal of qualitative methods*, 5(1), 80-92.
- Fløtten, T (2006). *Poverty and Social Exclusion-Two Sides of the Same Coin; a Comparative Study of Norway and Estonia*. Department of Sociology and Human Geography, Fac. of Social Sciences, University of Oslo.
- Husk, K (2011). Ethnicity and Social Exclusion: Research and Ppolicy Implications in a Cornish; Case Study. *Social and Public Policy Review*, 5(1), 7-25.
- Lockheed, M (2010). *Gender and Social Exclusion*. The International Institute for Educational Planning (IIEP).
- Lorry, G C (2000, December). Social Exclusion and Ethnic Groups: The Challenge to Economics. In the *Annual World Bank conference on development economics* (pp. 225-54). The World Bank.
- Magyari-Vincze, E (2006). *Social Exclusion at the Crossroads of Gender, Ethnicity and Class: a view of Romani Women's Reproductive Health*. Budapest: Open Society Institute.
- Mayall, D (2004). *Gypsy identities 1500-2000: From Egipcians and Moon-men to the ethnic Romany*. Routledge.
- Møller, S J, and Tenenbaum, H R (2011). Danish Majority Children's Reasoning about Exclusion based on Gender and ethnicity. *Child Development*, 82(2), 520-532.
- Radcliffe, S, and Pequeño, A (2010). Ethnicity, Development and Gender: Tsachila indigenous women in Ecuador. *Development and Change*, 41(6), 983-1016.
- Santana, P (2002). Poverty, Social Exclusion and Health in Portugal. *Social Science & Medicine*, 55(1), 33-45.
- Scutella, R, Wilkins, R and Kostenko, W (2013). Intensity and Persistence of Individuals' Social Exclusion in Australia. *Australian Journal of Social Issues*, 48(3), 273-298.